

كد رهگیری ثبت پروپوزال:

كد رهگیری ثبت پایان نامه:



الحمد لله رب العالمين
الذي هدانا لهذا
الذي كنا لنهتدي لولا
أن هدانا الله
فلا وربنا
صلى الله على محمد
وآله الطيبين الطاهرين
المصطفىين الأئمة
الرضا عليهم السلام

کلیه امتیازهای این پایان‌نامه به دانشگاه بوعلی سینا تعلق دارد. در صورت استفاده از تمام یا بخشی از مطالب این پایان‌نامه در مجلات، کنفرانس‌ها و یا سخنرانی‌ها، باید نام دانشگاه بوعلی سینا یا استاد راهنمای پایان‌نامه و نام دانشجو با ذکر مأخذ و ضمن کسب مجوز کتبی از دفتر تحصیلات تکمیلی دانشگاه ثبت شود. در غیر این صورت مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت. درج آدرس‌های ذیل در کلیه مقالات خارجی و داخلی مستخرج از تمام یا بخشی از مطالب این پایان‌نامه در مجلات، کنفرانس‌ها و یا سخنرانی‌ها الزامی می‌باشد.

....., Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

مقالات خارجی

..... گروه دانشکده، دانشگاه بوعلی سینا، همدان.

مقالات داخلی



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه آموزشی زبان و ادبیات عرب

پایان نامه ارائه شده به عنوان بخشی از فعالیت‌های تحصیلی لازم
جهت اخذ درجه دکتری تخصصی (Ph.D.) در رشته زبان و ادبیات عرب

عنوان:

بررسی ویژگی‌های سبکی رمان‌های سحر خلیفه

استاد راهنما:

دکتر علی باقر طاهری نیا

استاد مشاور:

دکتر فرامرز میرزایی

نگارش:

روح اله مهدیان طرقله

۲۹ آذر ۱۳۹۱

تقدیم به

پدر و مادرم

که نهال هستی‌ام در دامن پرمهرشان پا گرفت

همسرم

همسفرم در فراز و نشیب زندگی

و آرش

میوه‌ی زندگی‌ام

که آینده از آن اوست.

سپاس

در این اثر ناچیز اگر حسنی هست،
مرهون مساعدت دو استاد فرزانه است:

استاد دکتر علی باقر طاهری نیا

و

استاد دکتر فرامرز میرزایی

دست این دو بزرگ را می بوسم

به نشان قدردانی

و به رسم ادب.



دانشگاه بوعلی سینا

مشخصات رساله/پایان نامه تحصیلی

عنوان:

بررسی ویژگی‌های سبکی رمان‌های سحر خلیفه

نام نویسنده: روح اله مهدیان طرقيه

نام استاد راهنما: دکتر علی‌باقر طاهری نیا

نام استاد مشاور: دکتر فرامرز میرزایی

گروه آموزشی: زبان و ادبیات عربی

دانشکده: ادبیات و علوم انسانی

مقطع تحصیلی: دکتری

گرایش تحصیلی:

رشته تحصیلی: زبان و ادبیات عربی

تعداد صفحات: ۲۳۴

تاریخ دفاع: ۱۳۹۱/۹/۲۹

تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۶/۲۰

چکیده:

سحر خلیفه یکی از پرآوازه‌ترین رمان‌نویسان فلسطینی است که آثار ده‌گانه‌ی او نه تنها در میان خوانندگان عرب‌زبان، بلکه در سطح جهانی با اقبال گسترده‌ای روبه‌رو شده است. رمان‌های سحر خلیفه تصویری واقع‌گرایانه از شرایط سرزمین‌های اشغالی در یک‌صد سال اخیر ارائه می‌کند. تجاوز و اشغال‌گری رژیم صهیونیستی و پشتیبانی حامیان آن از یک‌سو و ناهنجاری‌ها و عقب‌ماندگی‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در جامعه‌ی فلسطین از سوی دیگر بن‌مایه‌ی رمان‌های او را شکل می‌دهند. موفقیت و آوازه‌ی سحر خلیفه در حوزه‌ی رمان نویسی، هم‌مرهون مضمون و محتوای خاص رمان‌های اوست و هم‌مدیون سبک و شیوه‌ی نگارش او. استفاده‌ی به‌جا و هنرمندانه از ابزارها و تکنیک‌های زبانی، شکلی و ساختاری، درکنار تصویرگری ماهرانه و نیز بهره‌گیری از ظرفیت‌های موسیقایی کلام، باعث جذابیت و زیبایی هرچه‌بیشتر رمان‌های او شده است. ضمن این‌که دلالت‌های نشانه‌شناختی در کاربرد بسیاری از واژگان و تعابیر، نویسنده را در انتقال مضمون موردنظر، و قرار دادن مخاطب در فضای رمان یاری کرده است. مجموع این ویژگی‌ها تشکیل‌دهنده‌ی سبک رمان‌نویسی سحر خلیفه است که آثار او را از نوشته‌های سایر نویسندگان متمایز می‌سازد. این پژوهش حاصل بررسی دقیق و واژه‌به‌واژه‌ی هشت رمان از ده رمان سحر خلیفه است که ارتباطی مستقیم با قضیه‌ی فلسطین دارند («الصابر»، «عباد الشمس»، «باب الساحة»، «المیراث»، «صورة» و «أیقونة» و عهد قدیم»، «ربیع حار»، «أصل و فصل» و «حبی الأول»)، تا از این طریق مهم‌ترین ویژگی‌های سبکی این آثار که سهم به‌سزایی در جذب خوانندگان نیز داشته است آشکار گردد.

واژه‌های کلیدی: ادبیات پایداری، سحر خلیفه، فلسطین، رمان، سبک شناسی.

فهرست مطالب:

فصل اول: طرح پژوهشی

- ۱-۱- مقدمه ۳
- ۲-۱- بیان مسأله ۴
- ۳-۱- اهمیت و ضرورت پژوهش ۵
- ۴-۱- اهداف پژوهش ۹
- ۵-۱- فرضیه‌های پژوهش ۱۰
- ۶-۱- روش تحقیق ۱۱

فصل دوم: کلیات پژوهش

- ۱-۲- نگاهی به زندگی سحر خلیفه ۱۷
- ۲-۲- جایگاه ادبی سحر خلیفه ۱۹
- ۳-۲- آشنایی با آثار سحر خلیفه ۲۲

فصل سوم: سبک‌شناسی رمان

فصل چهارم: ویژگی‌های سبکی رمان‌های سحر خلیفه

- ۱-۴- ویژگی‌های ظاهری و ساختاری ۳۲
- ۴-۱-۴- آغاز و پایان ۳۳
- ۶-۱-۴- سبک‌های فراخوانی گفته‌ها و اندیشه‌ها ۴۳
- ۲-۴- ویژگی‌های زبانی ۵۸
- ۱-۲-۴- زبان فصیح نزدیک به لهجه‌ی عامیانه ۵۸
- ۲-۲-۴- جملات بریده ۵۵
- ۴-۲-۴- نام‌های بومی ۶۲
- ۳-۴- ویژگی‌های تصویری ۵۸
- ۱-۳-۴- وصف ۵۹
- ۲-۳-۴- تشبیه ۷۱
- ۳-۳-۴- استعاره ۸۴
- ۴-۳-۴- کنایه ۷۹
- ۵-۳-۴- تمثیل ۸۱
- ۶-۳-۴- ضرب‌المثل ۹۱

۸۶.....	۴-۴- ویژگی‌های موسیقایی
۸۶.....	۴-۴-۱- تکرار
۱۰۰.....	۴-۴-۲- جناس
۱۰۶.....	۴-۴-۳- سجع
۱۰۱.....	۴-۴-۴- موازنه
۱۱۰.....	۴-۴-۵- مقاطع شعرگونه
۱۱۵.....	۴-۵- عناصر دلالی
۱۱۵.....	۴-۵-۱- چهره
۱۱۹.....	۴-۵-۲- چشم
۱۲۳.....	۴-۵-۳- رنگ
۱۲۰.....	۴-۵-۴- صدا
۱۳۰.....	۴-۵-۵- بو
۱۳۵.....	۴-۵-۶- نور و تاریکی
۱۳۸.....	۴-۵-۷- شادی و غم
۱۴۱.....	۴-۵-۸- نام شخصیت‌ها
۱۴۴.....	۴-۵-۹- نام رمان‌ها
۱۴۰.....	۴-۵-۱۱- میراث عامیانه
۱۴۹.....	۴-۶- عناصر موضوعی
۱۴۹.....	۴-۶-۱- اشغالگری یهودیان
۱۶۰.....	۴-۶-۲- زن
۱۷۲.....	۴-۶-۳- دوگانگی و تقابل
۱۸۷.....	۴-۶-۴- سرزمین
۱۹۱.....	۴-۶-۵- نگاه جهان‌شمول
	فصل پنجم: استنباط و نتیجه‌گیری
۲۱۱.....	فهرست منابع
	چکیده‌ی عربی

فصل اول

طرح پژوهشی

۱-۱- مقدمه

ادبیات معاصر فلسطین در نزدیک به یک قرن اخیر و به‌ویژه از سال ۱۹۴۸م. تا کنون، دربردارنده‌ی آثاری است که مسأله‌ی اشغال صهیونیستی و مقاومت مردم فلسطین در برابر این اشغال‌گری، مهم‌ترین و اساسی‌ترین درون‌مایه‌ی آن را شکل می‌دهد. این آثار که در مجموع از آن با عنوان ادبیات پایداری مردم فلسطین یاد می‌شود، در قالب انواع گوناگون ادبی منتشر شده و نقش مؤثری در بازگو کردن حقایق این نبرد شصت ساله داشته‌است. سروده‌های ماندگار شاعران فلسطینی همواره با تحریک احساسات و عواطف مخاطبان، آنان را به ایستادگی و دفاع از دین و سرزمین و ناموسشان تشویق کرده‌است. این اشعار گاه از ملت فلسطین اسطوره‌ای ساخته‌اند و قهرمانی‌های جوانان مبارز این سرزمین را در طول سالیان دراز مبارزه با اشغال‌گری، همچون معجزاتی تاریخی به تصویر کشیده‌اند.

در کنار شعر مقاومت، و با قدری تأخیر، رمان فلسطینی نیز روند رشد و بالندگی درپیش گرفت و به انعکاس این نبرد تاریخی همّت گمارد. با این تفاوت که نوع رمان، بنابر طبیعت خود، در بازتاب حوادث، جانب واقع‌گرایی را بیشتر از شعر مراعات کرده است.

سحر خلیفه یکی از این رمان‌نویسان واقع‌گرا است. او که متولد ۱۹۴۱م. است، تمامی حوادث تاریخی ۱۹۴۸م. تا به امروز را به چشم دیده است. بنابراین آثار او که نخستین آن در سال ۱۹۷۴م. منتشر شد، مراحل گوناگون مقاومت مردم فلسطین از سال‌های پس از شکست ۱۹۶۷م. تا اشغال نابلس و محاصره‌ی مقر «یاسر عرفات» در سال ۲۰۰۲م. را دربر می‌گیرد. او حتی در دوگانه‌ی اخیر خود - «أصل و فصل» و «حی الأول» - به سال‌های دهه‌ی ۲۰ و ۳۰ قرن گذشته بازگشته است تا ریشه‌های شکل‌گیری رژیم صهیونیستی و عوامل داخلی و خارجی مؤثر در آن را با زبان هنر بازگو کند.

آثار سحر خلیفه نه تنها در جهان عرب، بلکه در سطح جهان با اقبال گسترده‌ای روبه‌رو گشت، و این موفقیت تا اندازه‌ی زیادی حاصل بهره‌گیری او از ابزارهای گوناگونی است که جذابیت و تأثیرگذاری متن را بیش‌تر و بیش‌تر می‌کنند. مجموع عوامل و عناصری که باعث تمایز رمان‌های این نویسنده از آثار

دیگر رمان‌نویسان فلسطینی می‌گردد، در این پژوهش تحت عنوان «ویژگی‌های سبکی رمان‌های سحر خلیفه» مورد بررسی قرار گرفته‌اند. برای رسیدن به نتیجه‌ی مطلوب، ابتدا در کلیات پژوهش، ادبیات داستانی، به‌ویژه نوع رمان و سابقه و تاریخ آن در ادبیات جهان و نیز در ادبیات عربی و فلسطینی بیان شده، سپس به مبحث سبک و تعاریف گوناگون آن در متون کهن و نیز در پژوهش‌های معاصر پرداخته شده‌است. اما بخش اصلی تحقیق، شناخت ویژگی‌های سبکی آثار سحر خلیفه است که در قالب شش بخش مورد بررسی قرار گرفته‌است: ویژگی‌های زبانی، ویژگی‌های شکلی و ساختاری، ویژگی‌های تصویری، ویژگی‌های موسیقایی، عناصر دلالتی و عناصر موضوعی.

درنهایت، حاصل بررسی مجموع این عناصر که با دقت از تک‌تک عبارات و جملات این رمان‌ها استخراج شده‌است، در فصل پایانی پژوهش، به‌عنوان نتیجه‌ی پژوهش ارائه می‌گردد.

در آثار این نویسنده‌ی توانای فلسطینی پدیده‌ها و ویژگی‌های دیگری نیز جلب توجه می‌کند که هریک می‌تواند موضوع پژوهشی مستقل قرار گیرد؛ مثل اشارات فراوان تاریخی، کاربرد وسیع میراث عامیانه، دلالت‌های نشانه‌شناختی، ساختار زبانی و بسیاری موضوعات جذاب دیگر، که سایر پژوهشگران را به مطالعه و تحقیق فرا می‌خواند. امید که پژوهش حاضر راه‌گشای مطالعات کامل‌تر و دقیق‌تر در مورد سحر خلیفه و آثار ارزشمند او باشد.

۱-۲- بیان مسأله

امروزه رمان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین انواع ادبی در ادبیات تمام ملت‌ها مورد توجه است؛ چراکه معمولاً رمان‌ها بازتابی از فرهنگ و آداب و رسوم، عقاید و باورها، و واقعیت‌های موجود در هر جامعه هستند، و به‌همین دلیل توجه قشر وسیعی از خوانندگان را در سطوح مختلف جوامع به خود جلب می‌کنند. بدین ترتیب رمان می‌تواند تأثیر گسترده‌ای در توده‌های مردم داشته باشد.

از سوی دیگر شیوهی بیان، و سبک بازگویی این پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی، در استقبال خوانندگان از هر رمان تأثیر به‌سزایی دارد. بنابراین بیان زیبا و هنرمندانه و استفاده از تکنیک‌های مختلف روایی، در کنار مضمون و محتوای ارزشمند می‌تواند رمز موفقیت یک رمان در جلب حداکثری خوانندگان باشد. به نظر می‌رسد این دو عنصر، یعنی سبک هنرمندانه و محتوای ارزشمند، در آثار «سحر خلیفه»، رمان-نویس معاصر عرب، گرد آمده است.

سحر خلیفه یکی از مشهورترین رمان‌نویسان زن فلسطینی است. حاصل فعالیت ادبی او تا کنون ۱۰ رمان است که اولین آن «لم نعد جوارى لکم» در سال ۱۹۷۴م. و آخرین آن «حي الأول» در سال ۲۰۱۰م. به چاپ رسیده است.

و بیشتر حوادث این رمان‌ها در زادگاه او «نابلس» اتفاق می‌افتد. این وحدت مکانی به نوعی نشان دهنده تعهد او به میهن است. سحر خلیفه قضیه میهنی خود را هم به‌عنوان هدف، و هم به‌عنوان وسیله برگزیده است، و آثار او تلاشی است برای نقل واقعیت موجود در فلسطین، در قالبی هنری؛ بطوری که هم جنبه واقعی و مستند آن حفظ شود، و هم از نظر هنری و زیباشناختی در سطح قابل قبولی باشد. او عقیده دارد که باید تراژدی فلسطین را به هر نحو ممکن ثبت و ضبط کرد و به همه‌ی جهانیان عرضه داشت؛ چنان-که یهودیان سراسر جهان، ماجرای هولوکاست را با هزاران سند کتبی و شفاهی و ویدئویی در جهان مطرح کرده‌اند.

تمامی رمان‌های سحر خلیفه با مسأله‌ی فلسطین مرتبط است و به خاطر ابعاد برجسته‌ی هنری، سیاسی و انسانی، به زبان‌های عبری، فرانسوی، آلمانی، هلندی، انگلیسی، ایتالیایی، اسپانیولی، یونانی، نروژی و روسی ترجمه شده است، و هم‌اکنون در دانشگاه‌های آمریکا، انگلیس، فرانسه، هلند، ایتالیا و حتی اسرائیل تدریس می‌شود. این آثار نه تنها از نظر ادبی حائز اهمیت است، بلکه نوعی سند تاریخی یا پژوهش اجتماعی نیز به‌شمار می‌آید.

سحر خلیفه همچنین تا کنون به کسب چندین جایزه‌ی بین‌المللی نائل آمده است که مهم‌ترین آن

عبارتند از:

- ۱- جایزه‌ی «نجیب محفوظ» از دانشگاه آمریکایی قاهره، در سال ۲۰۰۲م.
 - ۲- جایزه‌ی «آلبرتو مورافیا» از ایتالیا، برای ادبیات ترجمه شده به ایتالیایی.
 - ۳- جایزه‌ی «سروانتس» از اسپانیا، برای ادبیات ترجمه شده به اسپانیولی.
 - ۴- جایزه‌ی «سیمون دی بوار» که به صورت مشترک به سحر خلیفه و یک رمان‌نویس زن یهودی اهدا شد و سحر خلیفه آن را به دلایل سیاسی و میهنی نپذیرفت.
- این جوایز به خاطر قدرت عالی نویسنده در روایت حوادث، فراهم آوردن فضای متناسب با هدف رمان، و دلالت روشن بر از دست رفتن سرزمین، به سحر خلیفه تعلق گرفت.
- سحر خلیفه در آثار خود سبکی خاص دارد که او را از دیگر رمان‌نویسان عرب متمایز می‌سازد. اما آن‌چه می‌توان در این زمینه بعنوان مسأله مطرح کرد، به دو نوع محتوایی، و سبکی و ساختاری تقسیم می‌شود. در بررسی سبک و ساختار این رمان‌ها، مسائل زیر جلب توجه می‌کند:
- ۱- زبانی که سحر خلیفه برای روایت داستان انتخاب می‌کند، به زبان شخصیت‌های داستان و زبان مردم عادی جامعه‌ی فلسطین بسیار نزدیک است. اما آیا این مسأله موجب ساختارشکنی زبانی و بروز ضعف در آثار این نویسنده نمی‌شود؟
 - ۲- شیوه‌ی گفتمان شخصیت‌ها، و بطورکلی نحوه‌ی چینش اجزاء داستان در رمان‌های سحر خلیفه، باعث جذابیت و در نتیجه استقبال گسترده‌ی مخاطبان شده است. عناصر تأثیرگذار در این جذابیت از نظر سبکی چیست؟
- اما از نظر محتوایی نیز موارد زیر را به‌عنوان مسأله مطرح می‌شود:
- ۱- آثار سحر خلیفه بیشتر جنبه‌ی ادبی دارند، یا تنها ابزاری هستند برای پرداختن به مسأله‌ی فلسطین؟ به بیان دیگر چه عناصری را می‌توان به‌عنوان کلیدواژه‌ی محتوایی در مجموع این رمان‌ها ذکر کرد؟
 - ۲- سحر خلیفه به‌عنوان یک زن فلسطینی، نسبت به وضعیت زنان در جامعه‌ی فلسطین چه موضعی دارد، و در رمان‌های او چه ارتباطی میان دفاع از حقوق زن، و دفاع از حق یک ملت در برابر دشمن غاصب وجود دارد؟

۳- اگرچه سحر خلیفه رمان‌نویسی میهن‌دوست و متعهد است، اما در آثار او موضع‌گیری آشکار و صریحی نسبت به قضایای سیاسی مربوط به فلسطین دیده نمی‌شود. این تناقض را در مورد سحر خلیفه و آثارش چگونه می‌توان توجیه کرد؟ و آیا می‌توان واقع‌گرایی را منشأ این تناقض ظاهری دانست؟ پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخی مناسب برای این پرسش‌ها خواهد بود.

۳-۱- اهمیت و ضرورت پژوهش

هرچند سحر خلیفه را می‌توان یکی از موفق‌ترین رمان‌نویسان زن فلسطینی دانست، اما وی از سوی مؤسسات فلسطینی چندان مورد توجه قرار نگرفت. شاید به این دلیل که او نسبت به موضع‌گیری‌های دولت-مردان و سیاستمداران فلسطینی، نگاهی انتقادی داشته و به تمجید و ستایش قهرمانی‌های پوچ و پوشالی آنان نپرداخته است. اما از سوی ناقدان و ادیبان عرب نیز تاکنون پژوهش جامع و کاملی در مورد آثار سحر خلیفه انجام نگرفته است. البته در سال‌های اخیر و به‌ویژه در فضای مجازی مقالاتی پراکنده در مورد تعدادی از رمان‌های او منتشر شده که به برخی جوانب این آثار پرداخته‌اند. با نگاهی کلی به این مقالات می‌توان دریافت که بعضی ناقدان عرب، توجه خود را به مسأله‌ی زن در رمان‌های سحر خلیفه متمرکز کرده‌اند؛ مثل مقاله‌ای از «نبیه القاسم» با عنوان «مذکرات امرأة غیر واقعية، رواية سحر خلیفة التي تجاهلها النقاد» (۲۰۰۹) که در آن نویسنده به موضوع و محتوای رمان یادشده پرداخته و معتقد است توجه بیش‌ازحد به رمان‌هایی چون «الصبارة» و «عباد الشمس» که بیش‌تر به قضیه‌ی فلسطین مربوط است موجب فراموش شدن دو رمان «لم نعد جوارى لکم» و «مذکرات امرأة غیر واقعية» گشته است. او نگاه عالمانه‌ی سحر خلیفه به مسأله‌ی زن را ستوده و آثار او - به‌ویژه «مذکرات امرأة غیر واقعية» - را از نوشته‌های ممتاز در زمینه‌ی دفاع از حقوق زن فلسطینی دانسته است. «نبیه القاسم» همچنین در کتابی با عنوان «مراودة النص، دراسات في الأدب الفلسطینی» (۲۰۰۸) فصلی را به دو رمان-نویس زن فلسطینی اختصاص داده است: «أدب المرأة الفلسطینیة، سحر خلیفة و لیانة بدر نموذجاً». در این فصل مقایسه‌ای میان درون‌مایه و برخی ویژگی‌های فنی آثار این دو نویسنده صورت گرفته و در نهایت آثار «لیانة

بدر» هنرمندانه‌تر و آثار سحر خلیفه واقع‌گراتر معرفی شده‌است. در همین کتاب فصلی دیگر نیز به رمان «المیراث» سحر خلیفه اختصاص یافته است: «میراث سحر خلیفه و السؤال الكبير الملح». گویا «نبیه القاسم» در تمامی رمان‌های سحر خلیفه تا زمان انتشار «المیراث» نوعی بدبینی یا سیاه‌نمایی را احساس می‌کند که توجیهی برای آن نمی‌یابد. بنابراین از او و سایر نویسندگان می‌خواهد به‌جای انتقاد - یا به‌همراه انتقاد - برای از میان برداشتن مشکلات، راه‌حل‌های عملی نیز ارائه دهند. مقاله‌ی دیگری از «نبیه القاسم» با عنوان «سحر خلیفه و الدوران في الدائرة نفسها» (۲۰۰۷) نیز در پی بیان همین مفهوم است. او معتقد است مضمون این رمان‌ها همواره حول محور قضیه‌ی زن و اشغال صهیونیستی می‌گردد و رمان‌های به‌ظاهر جدید او نیز حرف تازه‌ای برای گفتن ندارند. همچنین «عادل الأسطة» در انتقاد نسبت به بدبینی و ناامیدی سحر خلیفه از اوضاع فلسطین، مقاله‌ای با عنوان «سحر خلیفه و خسارة الفلسطینی الدائمة» (۲۰۱۰) منتشر کرده‌است. «أحمد جمیل عزم» نیز مقاله‌ای با عنوان «روایات سحر خلیفه ... اضطهاد المرأة الفلسطینیة» (۲۰۱۱) دارد که به‌صورت خاص مشکلات زنان فلسطین را از خلال آثار سحر خلیفه مورد واکاوی قرار می‌دهد و مسأله‌ی زن را در کنار قضیه‌ی فلسطین، از محورهای اساسی محتوایی در این آثار می‌شمارد. اما شخصیت‌های زن یهودی نیز در این رمان‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند و در کتاب «الشخصیة اليهودیة الإسرائیلیة فی الخطاب الروائی الفلسطینی» (۲۰۰۶) نوشته‌ی «صبحیة عودة زینب» به ویژگی‌های این نوع از شخصیت‌ها پرداخته شده‌است. همچنین کتابی با عنوان «صورة المرأة فی روایات سحر خلیفه» (۲۰۱۰) نوشته‌ی «وائل علی فالح الصمادی» منتشر شده‌است که به‌طور کلی مسائل مربوط به زنان را در این رمان‌ها مورد بررسی قرار داده و در این زمینه پژوهشی جامع محسوب می‌شود.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که آنچه در آثار سحر خلیفه بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، مسأله‌ی زن و دفاع همه‌جانبه‌ی سحر خلیفه از حقوق فردی و اجتماعی اوست. اما برخی پدیده‌های دیگر نیز در آثار سحر خلیفه مورد توجه قرار گرفته‌است. صلاح الدین عبدی در مقاله‌ای با عنوان «جلوه‌های پایداری در برخی آثار سحر خلیفه» (۱۳۸۹ هـ.ش) به مفاهیمی چون وطن‌پرستی، ایجاد امید، توجه به فرهنگ بومی، دعوت به بیداری زن، دید جهانی نویسنده و ... در دو رمان «الصبار» و «عباد الشمس» پرداخته‌است؛ «حضور

المأثورات الشعبية في أعمال سحر خليفة» (۲۰۰۵) نوشته‌ی «یحیی جبر» و «عبیر حمد» مقاله‌ای است که به بررسی عناصر فرهنگ عامیانه و نمودهای میراث فرهنگی عربی در رمان‌های سحر خلیفه اختصاص یافته‌است؛ «تناقضات الذات و الآخر في روايات سحر خليفة» (۲۰۰۲) نوشته‌ی «حسین المناصرة» شخصیت‌های زن روشن‌فکر و مبارز در این رمان‌ها را نماینده‌ی خود سحر خلیفه می‌داند؛ «غسان إسماعیل عبد الخالق» در مقاله‌ی «سحر خليفة .. من الصبار إلى باب الساحة» (۲۰۰۰) نگاهی به محتوا و پیام اصلی نویسنده در چهار رمان «الصبار»، «عباد الشمس»، «مذکرات امرأة غیر واقعية» و «باب الساحة» انداخته‌است؛ و «ماجدة حمود» در مقاله‌ای با عنوان «الخطاب الروائي عند سحر خليفة» (۲۰۰۷) به بررسی برخی ویژگی‌های فنی مثل پیرنگ، شخصیت‌پردازی، دلالت برخی نام‌ها، و ... در چند رمان سحر خلیفه پرداخته‌است. برخی از پژوهشگران نیز موضوعی خاص را تنها در یکی از رمان‌های او مورد مطالعه قرار داده‌اند. فرامرز میرزایی در مقاله‌ای با عنوان «الخصائص السردية و جمالياتها في رواية الصبار لسحر خليفة» (۲۰۱۱) به بررسی بارزترین ویژگی‌های روایی در این رمان پرداخته‌است، و «نبیه القاسم» در مقاله‌ی «سحر خليفة و الارتداد إلى الذات الجميلة» (۲۰۰۴) بازگشت سحر خلیفه در «صورة و أيقونة و عهد قديم» به دوران قبل از اشغال قدس را در واقع بازگشت او به احساسات و عواطف زنانه‌اش می‌شمارد؛ چراکه شرایط موجود در عرصه‌ی سیاست موجب سرخوردگی و ناامیدی او شده، و نویسنده ناچار به عالم خیال و احساس پناه برده‌است. «حسین نشوان» نیز در مقاله‌ی «سحر خليفة: الفردوس المفقود و الحبّ الضائع» (۲۰۰۳) در پی بیان همین معنا است. او معتقد است داستان این عشق شورانگیز در فضایی اسرارآمیز و رؤیایی، چیزی نیست جز ابزاری برای فرار از واقعیت زشت کنونی به عالم خیال و رؤیا. اما «سحر خليفة في ربيع حار: حضور الراوية و غياب الكتابة» (۲۰۱۱) عنوان مقاله‌ای است از «عادل الأستط» که در آن بیش از هر چیز به ویژگی‌های زبانی این رمان انتقاد شده و متن آن فاقد صلابت و فصاحت لازم برای یک رمان شمرده شده‌است. او زبان سحر خلیفه را بیشتر شبیه به زبان یک راوی یا قصه‌گو می‌داند تا زبان یک نویسنده. از سوی دیگر «بشیر ضیف الله» در مقاله‌ی «سیمیائیة الشخصیات في ربيع حار لسحر خليفة» (۲۰۱۰) دلالت‌های نشانه‌شناختی در شخصیت‌پردازی این رمان را مورد بررسی قرار داده‌است. «نبیه القاسم» در مورد همین رمان، مقاله‌ی «سحر خليفة و الربيع الحار: رؤية ثاقبة و موقف واضح» (۲۰۰۷) را منتشر کرده‌است که بیشتر بر بیان مواضع سیاسی و اجتماعی سحر خلیفه

تمرکز کرده است. نویسنده در این مقاله، شجاعت و شهامت سحر خلیفه را در بیان نابه‌سامانی‌ها و ناهنجاری‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌ستاید. «نبیه القاسم» که پژوهش‌های متعددی را در مورد آثار سحر خلیفه منتشر کرده است، در مقاله‌ای دیگر با عنوان «أصل و فصل لسحر خلیفه» (۲۰۱۰) به معرفی اجمالی این رمان و ویژگی‌های آن پرداخته است. او تفاوت این رمان با آثار قبلی سحر خلیفه را در بازگشت او به گذشته‌های دور و نیز در بهره‌گیری او از اسناد و شواهد تاریخی دانسته است. «نوال العلی» نیز در مقاله‌ای با عنوان «سحر خلیفه: فلسطین عام ۱۹۳۶» (۲۰۱۰) به همین تنوع زمانی اشاره کرده و دلیل آن را عدم وجود پیشرفتی دلگرم‌کننده در شرایط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی فلسطین در زمان حاضر دانسته است. همچنین «عادل الأسطة» در مقاله‌ی «سحر خلیفه فی أصل و فصل: سیف القارئ المسبوق» (۲۰۰۹) به شیوه‌ی جدید سحر خلیفه در کاربرد عنصر زمان اشاره کرده است. او با اشاره به جمله‌ی پاسکال که به‌عنوان مقدمه در آغاز این رمان آمده است (به من نگوید حرف تازه‌ای ندارم؛ این ترتیب عناصر است که تازگی دارد) محتوای این رمان را چیزی جز آن‌چه در آثار پیشین سحر خلیفه دیده می‌شود نمی‌داند و معتقد است خواننده با دیدن این جمله از پاسکال در آغاز رمان، به این حقیقت پی خواهد برد که در رمان پیش‌رو، حرف تازه‌ای از سحر خلیفه نخواهد شنید.

در برخی پایان‌نامه‌ها نیز اشاراتی به سحر خلیفه و آثار او شده است که از این جمله می‌توان به پایان‌نامه‌ی دکتری «حسین محمد أبو النجا» با عنوان «صورة اليهودي في الرواية الفلسطينية» (۱۹۹۹) در دانشگاه الجزایر اشاره کرد که به بررسی این موضوع در چند رمان فلسطینی، از جمله برخی رمان‌های سحر خلیفه پرداخته است. همچنین دو پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی در دانشگاه تهران به «ترجمه و بررسی شخصیت‌پردازی رمان الصبار» (۱۳۸۶ هـ.ش) و «ترجمه و تحلیل رمان ربیع حار» (۱۳۹۰ هـ.ش) اختصاص یافته است.

مسأله‌ی سرزمین نیز که در رمان فلسطینی بسیار از آن یاد شده است، در کتاب «نشید الزيتون: قضية الأرض في الرواية الفلسطينية» (۲۰۰۴) نوشته‌ی «نضال الصالح» مورد بررسی قرار گرفته و در برخی فصول این کتاب، به برخی مقاطع از رمان‌های سحر خلیفه اشاره شده است که این موضوع را منعکس می‌کند. همچنین

کتابی با عنوان «الخطاب الروائي و القضايا الكبرى: التزعة الإنسانية في أعمال سحر خلیفة» (۱۹۹۹) نوشته‌ی «محمد معتصم» منتشر شده است که ضمن اشاره به گرایش‌های انسانی در رمان معاصر، به بررسی موردی این موضوع در رمان‌های سحر خلیفه می‌پردازد.

اما ویژگی‌های سبکی آثار سحر خلیفه که نقش بسیار مؤثری در موفقیت آن داشته، کم‌تر مورد بررسی دقیق قرار گرفته‌است، و پژوهش حاضر تلاشی است برای پر کردن این خلأ در مطالعات مرتبط با ادبیات مقاومت فلسطین، و آشنایی بیشتر علاقه‌مندان با آثار سحر خلیفه که یکی از موفق‌ترین رمان‌نویسان زن فلسطینی به‌شمار می‌رود.

۱-۴- اهداف پژوهش

با توجه به جایگاه ادبی که سحر خلیفه در سال‌های پس از ۲۰۰۰ میلادی کسب کرده، و با در نظر گرفتن اسلوب و تکنیک‌های خاصی که او در رمان‌نویسی خود به‌کار می‌گیرد، به نظر می‌رسد باید پژوهش جامع و دقیقی در مورد ویژگی‌های سبک رمان‌نویسی او انجام شود. اما از سوی دیگر اهمیت آثار سحر خلیفه به هدفی که او دنبال می‌کند نیز مربوط است. بحران فلسطین امروزه نیز به‌عنوان بزرگ‌ترین مسأله در جهان اسلام مطرح است، و در این شرایط، یک اثر ادبی موفق و تأثیرگذار در سطح جهانی، می‌تواند ثمربخش‌تر از صدها کنفرانس و اجلاس و تجمع و راهپیمایی باشد. آثار سحر خلیفه توانسته است این تأثیر را در سطح جهان داشته، و توجه بسیاری از مخاطبان را به قضیه‌ی فلسطین جلب کند. اما این مهم چگونه محقق شده‌است و ابزارهای سحر خلیفه برای آفرینش ادبی و کسب این موفقیت چه بوده‌است؟

در دانشگاه‌های ایران و سایر کشورها، تا کنون پایان‌نامه‌ای در زمینه‌ی سبک‌نویسندگی سحر خلیفه ارائه نشده است و به‌طور کلی این خلأ در حوزه‌ی ادبیات مقاومت فلسطین احساس می‌شود. بنابراین

پژوهش حاضر تحلیل سبک رمان‌نویسی سحر خلیفه و بررسی ویژگی‌های آن را موضوع خود قرار داده‌است تا از این رهگذر، راز و رمز موفقیت سحر خلیفه در ابلاغ پیام ملت مظلوم فلسطین به مخاطبان جهانی، و ابزارها و شیوه‌های گوناگون او برای رسیدن به این هدف، آشکار گردد.

۱-۵- فرضیه‌های پژوهش

- ۱- ویژگی‌های زبانی و نزدیکی آن به لهجی مردم عادی در رمان‌های سحر خلیفه، گرچه نوعی هم‌زبانی با مخاطبان محسوب می‌شود، اما از سوی دیگر موجب هنجارشکنی زبانی نیز شده است.
- ۲- استفاده‌ی سحر خلیفه از گفتمان روایی جذاب، توجه او به نشانه‌شناسی الفاظ و عبارات، به طوری که الفاکننده‌ی پیام و احساس مورد نظر باشد، سبب شده است که آثار وی نه تنها در جهان عرب، که در سطح جهانی با اقبال گسترده‌ای روبه‌رو شود؛ چنان‌که بیشتر رمان‌های او به چندین زبان زنده‌ی دنیا ترجمه شده و در چندین دانشگاه تدریس می‌شود.
- ۳- کلیدواژه‌ی عنصر معنوی و محتوایی در رمان‌های سحر خلیفه عبارت است از: رمان به‌عنوان فنی از فنون ادبی، مصداقی از پژوهش اجتماعی، و نمادی از اسناد تاریخی.
- ۴- سحر خلیفه در رمان‌های خود، به‌عنوان یک زن فلسطینی، در مقام دفاع از دو حق تضييع شده است: حقوق ازدست‌رفته‌ی فلسطینیان به‌طور عام که سرزمین خویش را از کف داده‌اند، و حقوق انسانی و اجتماعی زنان عرب - فلسطینی - که زیر سیطره‌ی سنت‌های جاهلانه و استبداد مرد باقی مانده‌اند. بنابراین درون‌مایه‌ی رمان‌های وی به‌نوعی بر تقابل ستم‌دیده و ستم‌گر تکیه دارد.
- ۵- در فاصله‌ی انتشار اولین و آخرین رمان سحر خلیفه (۱۹۷۴-۲۰۱۰م). او به‌عنوان یک ادیب، همواره در پی بازگویی هنرمندانه‌ی واقعیت‌ها بوده، و تلاش کرده است آثارش انعکاسی باشد از آنچه بر فلسطین و ساکنان آن می‌گذرد. بنابراین معمولاً موضع‌گیری آشکار و صریحی نسبت به قضایای سیاسی در آثار او دیده نمی‌شود. به‌عبارت‌دیگر او بیشتر در پی شناسایی درد است، و ارائه‌ی راه‌حل و درمان درد را در حیطه‌ی وظایف ادیب نمی‌داند.